

## ایرانی-آمریکایی‌ها

مقیم، مهاجر، شهروند



### نخستین ایرانیان آمریکا

بین سال‌های ۱۸۹۱ و ۱۹۶۰، ۵۰۲۰۴ ایرانی رسماً به ایالات متحد آمریکا مهاجرت کردند. البته بعدها در دهه ۱۹۶۰ این رقم تقریباً دو برابر شد و تعداد مهاجران ایرانی به آمریکا به ۱۰۳۹۹ نفر رسید. این عده شامل نخبگان فکری، ناراضیان سیاسی و افراد اهل تجارتی بودند که برای زندگی جدید ایالات متحد را بر دیگر کشورها ترجیح داده بودند. در ابتدا دانشجویان ایرانی که تا پیش از آن غالباً برای تحصیل به اروپا می‌رفتند تغییر مقصد دادند و به آمریکا روی آوردند. سپس، جلای‌وطن‌کردگان ایرانی نیز از پی ایشان به مناطقی که اینان برگزیده بودند، روی آوردند. این گروه کوچک بعدها شدند مقتدای فرهنگی خیل پریشان‌جویای راه.

جامعه ایرانیان آمریکا اگرچه در ۱۹۷۰ اندک شمار بود، لیکن با برخوردار بودن از تحصیلات عالی و توفیق در همه رشته‌های فعالیت اقتصادی جایی ویژه یافته بود. محض نمونه، از میان ۲۰۱۴۳ مهاجر ایرانی که بین سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۶۹ به آمریکا وارد شدند، ۶۳ درصد در مشاغل و حرفه‌هایشان متخصص بودند. نیمی از این متخصصان را مهندسان، پزشکان و دندانپزشکان تشکیل می‌دادند.

در نیمه نخست دهه ۱۹۷۰، ۱۴،۴۴۲ ایرانی به آمریکا مهاجرت کردند که ۲۸ درصدشان متخصص بودند و پزشکان و جراحان تقریباً ۱۰ درصد از جمعیت مهاجر را تشکیل می‌دادند. به این ترتیب هسته یک جامعه ایرانی تشکیل یافت که شامل دو گروه متمایز از مهاجران بود: یک دسته آنها که برای تحصیل و در مقام دانشجو یا به دلایل سیاسی یا اقتصادی به آمریکا آمده بودند و دیگر تازه از راه رسیدگان که در طول نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ تا میانه دهه ۱۹۷۰ بر تعداد افراد این دسته دوم بسیار افزوده شد. بسیاری از دانشجویان و متخصصان ایرانی با استفاده از قانونی که تحت عنوان "قانون مهاجرت به ایالات متحده" در سال ۱۹۶۵ به تصویب رسید، که به ماده "فرار مغزها" مشهور است، راه سریع تری برای ورود به آمریکا یافتند.

گرچه ممکن است برخی از اینها به انگیزه‌های سیاسی دست به مهاجرت زده باشند، اما تحقیقات حاکی از آن است که بیش از نیمی از ایشان به انگیزه دست یافتن به فرصت‌های اقتصادی به آمریکا رفته‌اند. با در نظر گرفتن موقعیت‌های تحصیلی و حرفه‌ای و انگیزه‌های مهاجرت این گروه از مهاجران روشن می‌شود که چرا بسیاری از نخستین اجتماعات ایرانیان آمریکا در شهرهایی تشکیل شده که دانشگاه‌های بزرگ، مؤسسات تحقیقاتی، و بازارهای کار بزرگ برای نیروهای متخصص داشته‌اند. و از آنجا که چنین مؤسساتی در بسیاری از شهرهای ایالات متحد وجود دارد، هسته اولیه جغرافیایی اجتماعات ایرانی در شهرهایی چون لوس آنجلس، نیویورک، واشینگتن دی.سی.، بوستون و نظایر اینها شکل گرفت.

همان‌گونه که در مقاله دیگر این نویسنده نشان داده شده است،<sup>۱</sup> محل‌های تشکیل اجتماعات ایرانیان در بعد از انقلاب شاخص روشنی است از اینکه محل اقامت دانشجویان ایرانی کجاها بوده است و اینان در کدام شهرها مشغول به کار بوده‌اند. در نخستین مرحله مهاجرت پس از انقلاب بستگان دانشجویان راهی آمریکا شدند، و بسیاری از آثانی که قوم و خویشی در آمریکا نداشتند مناطقی را برای اقامت و زندگی انتخاب کردند که اجتماعات ایرانیان در آنجا وجود داشت.

در مقاله حاضر تحلیلی از تحول جامعه ایرانیان مقیم آمریکا از ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۸ ارائه می‌شود. این ارزیابی ما را به درک دو واقعیت پنهان در تداوم مهاجرت ایرانیان و رشد جامعه ایرانیان آمریکا می‌رساند. نخست اینکه، همان‌طور که نشان خواهیم داد، گرچه مهاجرت به عنوان یک امر اجتماعی از دهه ۱۹۷۰ آغاز شده هیچ‌گاه از لحاظ تعداد مهاجران و اهمیت‌شان به قدر دو دهه گذشته نبوده است. در واقع، فرهنگ مهاجرت هم در میان ایرانیان داخل ایران و هم ایرانیان جاهای دیگر سخت شایع و رایج شده است.<sup>۲</sup> نکته در خور توجه در مورد ایرانیان این است که ابتدا مقیم یک سرزمین می‌شوند و بسیاری از آنان بعداً موقعیت "مهاجر بودن" را می‌پذیرند، که البته تفاوت چندانی با رفتار

بسیاری دیگر از مهاجران سیاسی و اقتصادی ندارند. مهاجران در قرن بیستم همواره نغمه بازگشت به وطن سر داده‌اند، اما کمتر به احساسات نوستالژیک خود وقتی گذاشته‌اند. این گفته در مورد مقیمان بیشتر صدق می‌کند. زیرا نگران مواجهه با مشکلات عدیده در بازگشتند. نکته مهم دیگر این تحول اساسی در ترکیب جمعیت ایرانیان مهاجر و تأثیر این تحول در ماهیت اجتماعات در حال پیدایش ایرانیان در آمریکا است. در این مقاله از تعداد زنان و مردان ایرانیان مهاجر و برخی زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی‌شان سخن خواهیم گفت. همچنین به اجمال از توزیع جغرافیایی ایرانیان آمریکا خواهیم نوشت و به برخی مراکز تجمع و تمرکز توجه خاص نشان خواهیم داد. مقاله را با ترسیم وضعیت احتمالی آینده ایرانیان مهاجر به ایالات متحد ختم خواهیم کرد.

### موج نخست: مهاجرت در دهه ۱۹۷۰

مشخصه نخستین سال‌های دهه ۱۹۷۰ افزایش تدریجی تعداد مهاجران ایرانی به آمریکاست. سال پیش از انقلاب سرآغاز افزایش فوق العاده تعداد مهاجران است. این افزایش با افزایش تعداد ایرانیانی که برای مدتی کوتاه به آمریکا رفته‌اند تطبیق می‌کند. تعداد مسافران ایرانی از ۳۵۰۸۸ نفر در ۱۹۷۵ به ۸۳۱۹۴ نفر در ۱۹۷۶ و ۱۳۰۵۴۵ نفر در ۱۹۷۸ رسید. این طور به نظر می‌رسد

یلوپیچ فارسی

The Persian Directory  
of The Nation's Capital

واشنگتن  
P.O. Box 39010  
Washington, DC 20016  
(301) 921-0606

پنسیلوانیا

P.O. 247

Mt. PA 19462

۲۶۷۸

که بسیاری از ایرانیانی که وقوع تغییرات اجتماعی را پیش‌بینی می‌کردند، به منظور بررسی امکان مهاجرت از آمریکا دیدار کرده باشند. در ۱۹۷۹، ترک ایران سخت شده بود، با وجود این، ۶۵،۸۱۳ نفر به آمریکا سفر کرده‌اند. تنها بخش کوچکی از این عده به آمریکا مهاجرت کردند. جالب آن‌که طی دو دهه گذشته بسیاری از ایرانیان مهاجر آنهایی بوده‌اند که در دهه ۱۹۷۰ برای دیداری کوتاه مدت به آمریکا رفته بودند. با آنکه در ۱۹۸۵ در مجموع تعداد دیدارکنندگان موقت به حدود ۶۰،۰۰۰ نفر رسید، تعداد ایرانیانی که برای دیدار خانواده هاشان یا به منظورهای دیگر مدتی کوتاه در آمریکا بوده‌اند در اغلب سال‌ها زیر ۳۰،۰۰۰ نفر مانده است. علت کاهش دیدارکنندگان موقت محدودیت‌هایی است که در ایران وجود داشته و نیز موانعی که دولت آمریکا بر سر راه مسافران می‌گذاشت. این نکته بیانگر آن است که در میان مهاجران تازه‌انتهایی که در سال‌های نخست به عنوان دیدارکنندگان موقت نیامده بودند، در واقع، تازه‌واردانی هستند که از بدو ورود به عنوان مقیم دائم وارد خاک آمریکا شده‌اند. گذشته از تغییرات بسیار جدید، نطفه جامعه ایرانیان آمریکا قطعاً در دهه ۱۹۷۰ بسته شده و در واقع، بسیاری از جنبه‌های جغرافیایی، اجتماعی و جمعیتی فعلی در همان دهه شکل گرفته. تنها دو سوم ایرانیانی که در پایان دهه ۱۹۷۰ در اجتماع ایرانیان لوس آنجلس و بخش ارنج در جنوب کالیفرنیا زندگی می‌کرده‌اند در سال‌های نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ وارد آمریکا شده بودند.<sup>۷</sup> اهمیت این سال‌ها را می‌توان در زبان جامعه ایرانیان آمریکا و هویت قومی در حال شکل‌گیری این گروه مشاهده کرد.

در ۱۹۸۰ "دفتر آمار" (the Census Bureau) اعلام کرد که جمعیت جامعه ایرانیان آمریکا قدری بیشتر از ۱۲۸،۰۰۰ نفر است.<sup>۸</sup> که در درجه اول در کالیفرنیا (۳۵ درصد)، و سپس در نیویورک (۸ درصد) و تگزاس (۶ درصد) متمرکز شده‌اند.<sup>۹</sup> این ایالات دارای بیشترین تعداد مؤسسات آموزش عالی است که دانشجویان ایرانی در آنها مشغول به تحصیل‌اند و می‌توان گفت که ایرانیانی از این پس نیز به آمریکا بیایند در محل‌های نزدیک به فرزندان‌شان اقامت خواهند کرد. ساختار سیاسی و شبکه قومی‌ای که نخستین مهاجران بنای آن را گذارده‌اند ما را مطمئن می‌سازد که رشد جامعه ایرانیان آمریکا و هویت این جامعه ربط بسیار نزدیکی به این ایالات به خصوص کالیفرنیا دارد. در ۱۹۸۰ تنها نیمی از ایرانیان کالیفرنیا در منطقه لوس آنجلس سکنی گزیده‌اند.

از ۱۹۸۰ جامعه ایرانیان آمریکا به عنوان جامعه‌ای تحصیل کرده و متعلق به طبقه متوسط شناخته شد. آمار این سال نشان می‌دهد که کمی بیش از ۵۴ درصد از ایرانیان بین سنین ۲۵ تا ۶۴ دانشگاه را گذرانده‌اند و بیش از نیمی از ایشان یا مشاغل تخصصی داشته‌اند و یا مدیر بوده‌اند.<sup>۱۰</sup>

البته نمی‌توان جامعه ایرانیان سال ۱۹۸۰ را جامعه‌ای مهاجر قلمداد کرد، زیرا بسیاری از ایرانیان آخرین قدم در راه مهاجرت را که همانا تابعیت باشد برنداشته بودند. این وضع دو دلیل می‌تواند داشته باشد. یکی، که رایج تر هم هست، اینکه بسیاری از ایرانیانی که اقامت دائم داشته‌اند به مدت کافی در ایالات متحد نبوده‌اند که بتوانند از حق شهروند شدن برخوردار شوند. اگر چه این واقعیت که اکثریت ایرانیان در نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ به آمریکا آمده‌اند استدلال فوق را تقویت می‌کند، لیکن باید گفت که کثیری از مقیمان دائمی که امکان شهروند شدن را هم داشته‌اند نیز هیچ اقدامی برای دریافت آن نکرده‌اند. دلیل دوم، که قابل تأمل‌تر است، اینکه توجه بسیاری از ایرانیان آن موقع هم معطوف به وقایع ایران بوده و تعلقات سیاسی‌شان به ایران گسسته نشده بوده است، و بنابراین نمی‌توانستند به راحتی تابعیت کشوری دیگر را بپذیرند. در واقع، تفاوت میان مقیم دائم و شهروند را می‌توان به برخورداری از حق رأی و داشتن گذرنامه آمریکایی خلاصه کرد. علاوه بر این، امکان کار کردن، پرداخت مالیات، و بهره‌مند شدن از خدمات دولتی به طور مساوی برای هر دو گروه فراهم است. در دهه ۱۹۸۰، نزد بسیاری از ایرانیان این امید که روزی روزگاری به وطن باز می‌گردند، موجب تشکیل اجتماعی از مقیمان شد که مهاجر نیستند و فکر بازگشت به وطن را در سر محفوظ داشته‌اند. عدم پذیرش مهاجرت امری جدی و عمیق در بین این افراد بود اما دهه بعد دهه‌ای بود که ایرانیان آمریکایی تن به سرنوشت سپردند و شدند مهاجران واقعی. این تغییر و تبدیل اجتماعی عواقب و پیامدهای جمعیتی و اقتصادی داشت که در زیر شرح داده می‌شود.

### پذیرش: مهاجرت در دهه ۱۹۸۰

مهاجرت ایرانیان به ایالات متحد به طور جدی در دهه ۱۹۸۰ آغاز شد. مهاجرت سالانه کسانی که در ایران متولد شده‌اند و ملیت خود را ایرانی اعلام کرده‌اند پس از ۱۹۸۱ هر ساله افزایش داشته و در سال ۱۹۸۶ به سالی ۱۵۰،۰۰۰ نفر رسیده است. اوج موج مهاجرت ایرانیان بوده است. همان گونه که تعداد محصلان و دیدارکنندگان از آمریکا رو به افول گذاشته، تعداد ایرانیانی هم که شرایط اخذ اقامت دائم را داشته باشند کاهش یافته است. به خاطر داشته باشیم که پس از ۱۹۸۶ تعداد ایرانیانی که به عنوان دانشجویان به آمریکا وارد شدند کاهش یافت در حالی که تعداد مهاجران ایرانی تازه از راه رسیده افزایش یافت که این روند تا امروز هم ادامه دارد. به این ترتیب، در نیمه دهه ۱۹۸۰ شاهد تحولی اساسی در ترکیب ایرانیان آمریکا هستیم. در حالی که ایرانیان مهاجری که سالیان دراز مقیم آمریکا بودند، پس از سال‌ها تن به سرنوشت سپردند و تصمیم به ماندن گرفتند، ایرانیان تازه رسیده پیشاپیش موقعیت خود را برای ورود به آمریکا مهیا ساخته بودند.

در مقابل اینان که مهاجران واقعی بودند کسانی قرار داشتند که "ناچار" مهاجرت را پذیرفتند. و البته جالب است بدانیم که مهاجران جدید از جامعه ایرانیان مقیم آمریکا جدا نماندند و کثیری از ایشان جذب جامعه ایرانیان آمریکا شدند و توانستند بر شبکه مناسبتهای قومی‌شان اتکا کنند و وارد حیات اجتماعی و اقتصادی شوند. بعد از تحول مشخصه‌های اجتماعی - اقتصادی ایرانیان مهاجر سخن خواهیم گفت؛ اما در اینجا باید خاطر نشان کنیم که دهه ۱۹۸۰ صرفاً دهه ای نبود که در آن کسر کوچکی از ایرانیان جایی دیگر جز موطن خود را برای زندگی برگزینند، بلکه این سال‌ها، سال‌هایی است که در آن فرهنگ مهاجرت در ضمیر جمعی بسیاری از ایرانیان داخل و خارج از ایران شکل می‌گیرد. در پرتو این یافته می‌توان تحول دهه ۱۹۸۰ را به مثابه پدیدآورنده نگرشی دانست که به مهاجرت به عنوان امکان عملی رفع مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌نگرد. گرچه ایرانیان نیز سالیان سال به کشورهای دیگر سفر می‌کرده‌اند و برخی‌هاشان در آن کشورها اقامت می‌گزیدند، لیکن دهه ۱۹۸۰ باید زمانی قلمداد شود که در آن ایرانیان نیز مانند مردم سایر کشورهای جهان وارد جریان تحرک جمعیتی شدند. امروزه، بیش از ۱۲۵ میلیون نفر از مردم جهان در جایی غیر از کشور محل تولدشان یا کشوری که تابعیت آن را ندارند زندگی می‌کنند.<sup>۱۱</sup> ایرانیان درصد اندکی از این شهروندان جهانی‌شونده را تشکیل می‌دهند. اینان به کل از موطن اصلی‌شان نبریده‌اند، بلکه حلقه‌های اتصال اقتصادی و سیاسی‌ای‌اند که قادر به فراهم آوردن امکان انتقال دارایی‌های مختلف به وطن‌شان هستند. تابعیت دو یا چندگانه ویژگی زمان ماست.

از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۹ بیش از ۱۳۶،۰۰۰ ایرانی به آمریکا مهاجرت کردند<sup>۱۲</sup>، که موجب بالا رفتن تعداد ایرانیان در ایالات مختلف شد. در ۱۹۹۰ "دفتر آمار" بیش از ۲۲۶،۰۰۰ ایرانی<sup>۱۳</sup> را در آمریکا شناسایی کرد<sup>۱۴</sup>. بر اثر تغییراتی در ترکیب جمعیتی ایرانیان مهاجر از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ برخی تحولات رخ نمود. محض نمونه، نسبت مردان ایرانی به زنان ایرانی از ۶۱/۴٪ به ۵۶/۵٪ رسید. می‌بینیم که نسبت زنان مهاجر به وضوح افزایش یافته. برای این امر دلایل متعددی می‌توان بر شمرد. نخست این که بسیاری از زنان ایرانی که برای تطبیق خودشان با شرایط بسیار بیش از مردان صبر کرده بودند در آمریکا تشکیل خانواده دادند. در ثانی بسیاری از زنان مهاجر در واقع به عنوان همسر مردان ایرانی مقیم آمریکا که همسر ایرانی انتخاب کرده بودند وارد خاک آمریکا شدند. در ۱۹۹۰ برای نخستین بار در تاریخ جامعه ایرانیان آمریکا شمار زنان از شمار مردان مهاجر بیشتر شد و این امر تا به امروز هم ادامه دارد. تغییر در ترکیب جنسیتی نقطه عطف و نیز تحولی اساسی در جامعه ایرانیان آمریکاست.

برطبق آمار سال ۱۹۹۰ دیگر جامعه ایرانیان متشکل از ایرانیانی نبود که در نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ آمده بودند. در واقع، کمتر از ۳۵ درصد ایرانیانی که به آمارگیری سال ۱۹۹۰ پاسخ گفته بودند از ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ مهاجرت کرده بودند. در ۱۹۸۰، بیش از ۷۱ درصد از ایرانیانی که به آمارگیری پاسخ گفته بودند سال مهاجرتشان را در همان دوره (۸۰-۱۹۷۵) ذکر کرده بودند. علاوه بر این، در ۱۹۹۰ تنها ۷۶ درصد محل تولدشان را ایران ذکر کرده‌اند (این رقم در ۱۹۸۰، ۸۱ درصد بود)، و ۲۴ درصد از اعضای جامعه ایرانی در آمریکا متولد شده بوده‌اند. رشد این جمعیت باعث شد که بروز فرهنگ صورتا و معنا ابعاد تازه‌ای پیدا کند. در ۱۹۹۰، داده‌های آماری حاکی از آن بود که کل ایرانی‌تباران جمعیتی در حدود ۲۸۵،۰۰۰ را تشکیل می‌داده‌اند<sup>۱۵</sup>. نزدیک به ۵۹،۰۰۰ نفر از اعضای جامعه ایرانی - آمریکایی در خانواده مهاجر/ مختلط و در ایالات متحد متولد شده‌اند. جامعه ایرانی - آمریکایی‌ها در سال ۱۹۹۰ هم از نظر تحصیلات و هم از نظر موقعیت اجتماعی - اقتصادی هیچ کم نداشت. بنابر گزارش "دفتر آمار" در ۱۹۹۰ میانگین درآمد خانوار در میان ایرانیان ۳۶،۸۰۰ دلار [در سال] بود. این رقم به طرز چشم‌گیری بالاتر از میانگین درآمد خانوار در میان آمریکاییان در همان سال (۳۰/۰۰۰) بود<sup>۱۶</sup> و<sup>۱۷</sup>. علاوه بر این، در میان ایرانیان ۲۵ تا ۶۴ ساله، بیش از ۶۳ درصد لیسانس و فقط چیزی در حدود پنج درصد بیکار بودند. این ارقام

### تعلیم فارسی و تعلیم انگلیسی

کتابها و نوارهای مختلف تعلیم فارسی به دانش‌آموزان ایرانی، تعلیم فارسی به انگلیسی زبانها و تعلیم انگلیسی به فارسی زبانها برای دوره‌های ابتدائی و متوسطه موجود است.

نشانگر پیشرفت قابل ملاحظه ای نسبت به دهه ۱۹۸۰ بود که شمار زیادی از ایرانیان یا دانشجوی بودند یا بیکار. در میان زنان ایرانی نیز میزان دازندگان مدرک لیسانس از ۳۰ به ۳۹ درصد و اشتغال نیز از ۲۹ به ۵۱ درصد افزایش یافت.

در مجموع تعداد کمتری از زنان ایرانی به عنوان خانه دار ثبت شده است، به طوری که در ۱۹۹۰ تنها ۴۴ درصد جزء نیروی فعال نبودند حال آنکه این رقم در ۱۹۸۰، ۶۸ درصد بود<sup>۱۸</sup>. اوج داستان مهاجرت ایرانیان در آغاز دهه ۱۹۹۰ بود. اجتماعی که آرزوی بازگشت به وطن را در سر داشت حضور فرهنگی‌اش را در قالب ادبیات، فلسفه و هنر تبعیدی آغاز کرد که هم تجربه‌های زندگی در موطن جدید در آن دیده می‌شد و هم یادهای موطن اصلی که همواره همراه بود با حالت دوگانه احترام و نیز تردید نسبت به وطن. مقیمان، که در دهه ۱۹۸۰ مهاجر شده بودند، قدم به مرحله پیوندها و اجاره‌های چندجانبه گذاردند. در حالی که تعداد بیشتری از ایرانیان واپسین گام‌های آمریکایی شدن را برمی‌داشتند<sup>۱۹</sup>، نسل جدید ایرانیان می‌بایست فرهنگی را جذب می‌کردند که از رهگذر یادهای والدین‌شان معنا می‌یافت. مرز میان ایرانی بودن و آمریکایی بنودن آستانه درهای خانه‌ها بود. حتی در ۱۹۹۰، در حالی که ۵۹،۰۰۰ نفر از ایرانی-آمریکایی‌ها کسانی بودند که تنها از والدینی ایرانی در آمریکا متولد شده بودند، نزدیک به ۸۴ درصد به زبانی غیر از انگلیسی در خانه‌هاشان تکلم می‌کردند<sup>۲۰</sup>. یعنی اینکه بسیاری از نسل دوم ایرانی-آمریکایی‌ها می‌بایست در خانه فارسی حرف بزنند. با در نظر گرفتن این نکته که تنها عده بسیار قلیلی از ایرانیان مشکل تکلم به انگلیسی داشته‌اند، روشن می‌شود که فرهنگ حفظ زبان در بین ایرانیان نسل اول و دوم جدی و زنده بوده است.

دوگانگی فرهنگی در میان ایرانیان نیز، همچون بسیار دیگر از مهاجران، در کشوری که اصالت قومی بخشی از ساختار اجتماعی-سیاسی است و با گذشت زمان از بین نمی‌رود، به یک عامل پیوند روانی تبدیل شده است: اکنون می‌شد گفت ایرانی-آمریکایی‌ها واقعا وجود دارند.

### ریشه دواندن و پذیرش تکثر: تابعیت در دهه ۱۹۹۰

طی دهه ۱۹۸۰ در حالی که شمار ایرانیان آمریکا افزایش می‌یافت، جامعه ایرانیان می‌بایست نگران آینده سیاسی و اقتصادی‌اش در آمریکا می‌بود. در ۱۹۸۱ نخستین "کتاب زرد ایرانیان" در کالیفرنیا جنوبی منتشر شد که ۱۷۷ مورد فعالیت شغلی عمدتا در همان ناحیه، خصوصا لوس آنجلس در آن ثبت شده بود. در ۱۹۹۰ همان راهنما بیش از ۱۷۰۰ فعالیت را فهرست کرده بود. این رشد انبوه اقتصاد یک قوم بیان کننده شمار ایرانیانی است که سهم عمده ای در بازار پیدا



کرده‌اند. در راهنمای تلفن منطقه لوس آنجلس زیر مشاغل مرتبط با پزشکی تعداد پزشکان از اندکی کمتر از ۴۰ مورد در ۱۹۸۱ به بیش از ۲۲۰ مورد در ۱۹۹۰ رسیده است. به رغم این رشد انبوه در تولید اقتصادی توسط متخصصان و بازرگانان ایرانی، برای کسانی که در کالیفرنای جنوبی زندگی می‌کنند روشن است که فعالیت‌های ایرانیان تنها برای بازار ایرانی فراهم نیامده است. بسیاری از مشاغل از آگهی‌های دو زبانه و نام‌های دوتایی بهره می‌گیرند که هم به کار مشتریان ایرانی بیاید و هم به کار غیرایرانی‌ها. ایرانی‌ها از بدو ورودشان هوشیارانه هم به امکانات‌شان واقف بودند و هم به مضایق‌شان. بسیاری از ایرانیان که در آمریکا به مدرسه رفته بودند به عنوان مردمان تحصیل کرده، می‌دانستند در آمریکا لازمه پیشرفت برخورداری از سرمایه انسانی و اجتماعی معینی است. اینان در دهه ۱۹۸۰ دست به ایجاد زیرساخت‌های موفقیت خود زدند و در دهه ۱۹۹۰ آن را به کمال رساندند. شبکه کسب و کار ایرانیان در سراسر ایالات متحد به ویژه در کالیفرنای جنوبی انجمن‌های حرفه‌ای، عضویت فعال در دو حزب دموکرات و جمهوری خواه و حضور چشمگیر در عرصه تصمیم‌سازی در ایالات متحد، ایرانی-آمریکایی‌ها را به بدیل‌هایی کارآمد مجهز ساخت که موفقیت خود و نسل بعدی‌شان را در آمریکا تضمین می‌کرد.

لازمه این موفقیت پذیرش تنوع فرهنگی در عین پاسداشت میراث واحد بود. اکنون جامعه

**یلو پیج ایرانیان - فلوریدا**  
 راهنمای مشاغل و نیازمندیهای ایرانیان مقیم فلوریدا

THE IRANIAN YELLOW PAGES - FLORIDA  
 P.O. Box 161700, Alt. Springs, FL 32716-1700

جهت درج آگهی و دریافت این نشریه بطور  
 در تمام ساعات شبانه روز با ما تماس  
 ۹۴۰۹-۳۳۳

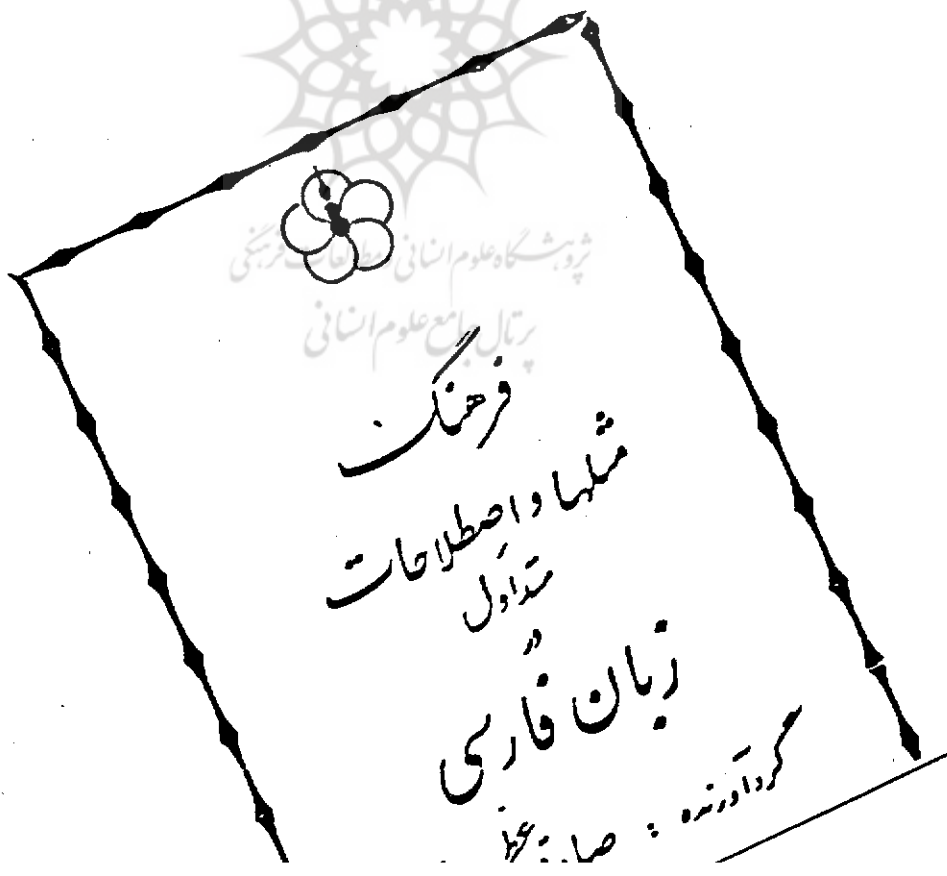
ایرانیان اغضایی دارد که دو یا چندین تبار فرهنگی دارند. اهمیت و نیروی این کثرت در نسل بعد افزایش خواهد یافت. دور نیست روزی که یک آمریکایی خود را نسل پنجم [ "نتیجه" ] یک ایرانی بخواند. در ۱۹۹۰ نزدیک به ۱۰ درصد از همه کسانی که تبار اولیه‌شان را ایرانی اعلام کرده‌اند بیش از ۴۰ ملیت دیگر را نیز به عنوان تبار دوم خود ذکر کرده‌اند. در این میان، آلمانی، انگلیسی و روسی در بالای فهرست قرار داشتند.<sup>۲۱</sup> در بررسی جامعه ایرانیان و نیز در تعریف ایرانی-آمریکایی‌ها این واقعیت‌های چندفرهنگه‌بودن را نیز باید مد نظر داشت.

همان طور که گفته شد میزان مهاجرت به آمریکا پس از ۱۹۹۰ رو به کاهش گذاشته و به کمتر از سطح ۱۹۷۹ رسیده است. از ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۸ اندکی کمتر از ۱۱۳،۰۰۰ تن از ایرانیان اقامت دائم ایالات متحد را به دست آوردند و رسماً شدند مهاجران جدید.<sup>۲۲</sup> اینان عمدتاً تازه‌رسیدگان به ایالات متحد و زنان بودند، با توجه به این واقعیت می‌توان گفت که مهاجران دهه ۱۹۹۰ به ترکیبی از اعضای خانواده‌ها که مجدداً گردهم آمده‌اند، کارگران ماهر (که یکسره از ایران یا از کشوری دیگر آمده‌اند)، و پذیرفته‌شدگان به عنوان پناهنده دسته‌بندی می‌شوند. شایان ذکر است که در زمان انقلاب و تا چند سال بعد از آن، ۹۰ درصد مهاجران را اعضای خانواده‌ها که گردهم می‌آمدند تشکیل می‌دادند، حال آنکه در آخر دهه ۱۹۸۰ این میزان به تقریباً ۶۰ درصد کاهش یافت.<sup>۲۳</sup> طی دهه ۱۹۹۰ نیز مجدداً شاهد بازگشت روند گردهم‌آیی اعضای خانواده‌ها تا حد نزدیک به ۹۰ درصد هستیم. از این واقعیات این گونه می‌توان برداشت کرد که ایرانیان [طی این دوره] جای پای محکمی برای خود در آمریکا فراهم کرده‌اند و قوم و خویش و به ویژه همسران‌شان را از "میهن باستانی" فراخوانده‌اند. و این شد سرآغاز پیدایش قومی مهاجر.

ایرانیان پذیرفتند که سرنوشت‌شان در آمریکا رقم خواهد خورد و خود را با شرایط جدید اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منطبق ساختند، اما از لحاظ فرهنگی ایرانیت‌شان را نگاه داشتند - وضعیتی منحصر به فرد که در بطن میهن تازه‌شان شکل می‌گرفت. «ایرانی» - «آمریکایی»‌ها نه ایرانی‌اند نه آمریکایی، بلکه گروهی از افرادی که از طریق بازتعریف هویت ایرانی‌شان در آمریکا در عین حال که خود را شبیه به هموطنان‌شان در ایران معرفی می‌کنند بر تفاوت اساسی خود بر آنها نیز اصرار دارند. آنان دیگر غربیانی در غربت نیستند، بلکه ساکنان سرزمینی شناخته شده‌اند؛ سرزمین هویت‌های دو یا چندگانه، سرزمینی که ویژگی‌های ملی برای احراز هویت کفایت نمی‌کند. ایرانیان برای پایه‌ریزی هویت تازه‌شان هم عناصری را از ایالات متحد اخذ کردند هم از ایران. و در این راه، از ملحق کردن اعضای خانواده گرفته تا آوردن کتاب‌ها و مجله‌ها و هنر و ادبیات و همه وسایل ارتباط با سرزمین آباء اجدادی‌شان بهره بردند.

ایرانیان گرچه نتوانستند ایرانی تازه در وست‌وود لوس آنجلس بنا کنند، اما به ایجاد هویت قومی‌ای منتزع، درهم‌تافته و نمونه، که معرف موقعیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی‌اش در ایالات متحد بود موفق شدند. ایرانیان از این نظر تفاوتی با دیگر مهاجران طبقه متوسط بالا نداشتند. بسیاری از گروه‌های قومی، به‌رغم میل باطنی‌شان، گروه فرهنگی محدودی‌اند با همه روابط و بستگی‌هایشان. مهاجر موفق کسی است که به جای آن که تن به انفعال و چنددلی بسپارد بتواند هویت چندگانه‌اش را سرمایه کند و از همه آن منتفع شود. دهه ۱۹۹۰ به روشنی سرآغاز پایان مرحله گذار جامعه ایرانیان آمریکاست.

این نکته بیش از هر چیز دیگر در میزان تابعیت‌پذیری ایرانیان مشهود است. واپسین مرحله مهاجرت هنگامی است یک جامعه شکل گرفته مهاجران تابعیت کشور میزبان را می‌پذیرد. در مورد ایرانیان پذیرش تابعیت به معنای به اصطلاح "پشت کردن" به موطن اصلی نیست، بلکه در واقع نشان‌دهنده پذیرش واقعیت تابعیت دوگانه است. با اجتناب‌ناپذیر شدن اقامت در آمریکا، بر اثر این واقعیت که نسل تازه ایرانیان متولد آمریکا موطنی جز آمریکا برای خود نمی‌شناختند، ایرانیان دیگر کاملاً قانع شدند که می‌بایست شهروند آمریکا شوند. در این وضع، برای جامعه‌ای که نه می‌تواند از موطن پدری‌اش دست بکشد و نه از موطن فرزندش، راه حل پذیرش تابعیت دو (یا چند) گانه است.



ایرانیان در دهه ۱۹۹۰، بیش از همه ادوار گذشته، تابعیت آمریکا را پذیرفته‌اند. باید خاطر نشان کرد که ایرانیان در همین دهه به میزانی بسیار بیش‌تر از دهه پیش از آن برای دیدار به ایران رفته‌اند. در این دوران که مهاجران ایرانی و فرزندان‌شان مجدداً برای به دست دادن تعریفی از خود تلاش می‌کنند، کم‌کم رفتارهای فرهنگی تازه را می‌پذیرند و خود را با ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی‌ای که احاطه‌شان کرده تطبیق می‌دهند نمی‌شود از ادغام در جامعه بزرگ‌تر گریخت. بنابراین، فرهنگ ایرانیان مقیم در آمریکا بسیاری از جنبه‌های فرهنگ کشور میزبان را در خود دارد. و این امر، بی‌آن‌که بخواهیم در مورد سطح یا ارزش آن داوری کنیم، موجب به وجود آمدن فرهنگ ایرانی دیگری جز آن‌چه در وطن بود شده است.

گرچه ممکن است از منظر سیاسی این گفته متناقض به نظر آید، اما تابعیت دو یا چندگانه محصول طبیعی روند فزاینده جابه‌جایی جمعیتی است. وجود ۱۲۵ میلیون تن خارج از وطن و مولدشان گویای میزان کسانی است که هویت ملی یگانه ندارند - امری که در حاکمیت سیاسی متمرکز با مرزهای مشخص متحقق می‌گردد. ایرانیان، همچون دیگران، به خلق هویتی ملی برای خود کوشیده‌اند و این کوشش را از طریق کتاب‌های تاریخی، داستان‌های حماسی، و کر و فر پادشاهان گذشته، که بسیار هم مبالغه‌آمیز است، پیش برده‌اند. اما ایرانیان بیش از دیگر اقوام در اینکه که هستند و گذشته‌شان چه بوده اغراق می‌کنند. زیرا باید هویت‌شان را به گونه‌ای روشن‌تر ابراز و احراز کنند تا بتوانند خود را از دیگران متمایز سازند. تعجیبی ندارد که مهاجران بیش از کسانی که در وطن اصلی‌شان زندگی می‌کنند بر احراز هویت فرهنگی خاص خود اصرار می‌ورزند. ابراز هویت در میان مهاجران سیاسی، و از جمله ایرانیان، همواره پرشورتر و مصرانه‌تر است.

به بیان روشن‌تر، هرچه بیم و نگرانی اولیه در مورد تحولات ایران جایش را به طولانی‌تر شدن انتظار برای بازگشت به وطن می‌دهد هویت جدید در میان مهاجران نسل اول به صورت فرهنگ تبعید و در میان مهاجران نسل دوم به تردید و دودلی تبدیل می‌شود. کتاب‌های تازه‌منتشره نظیر **برزخ، شعرها، داستان‌های کوتاه و مقالات ایرانی-آمریکایی‌ها**<sup>۲۴</sup> نمونه وضعیت هر دونسل را در خود جای داده‌اند. چنین مجموعه‌هایی و نیز تحلیل‌های عمیق‌تر آکادمیکی نظیر مقاله علی‌اکبر مهدی<sup>۲۵</sup>، انسان‌هایی را نشان می‌دهند که به تدریج و بیش از پیش می‌پذیرند که ایرانی-آمریکایی خوانده شوند، و البته همچنان با احساسی دوگانه نسبت به تصاویر گاه پست‌سندیده و گاه ناپسندی که والدین‌شان از وطن ترسیم می‌کنند - احساس همدلی یا احساس انزجار می‌کنند. و البته همان‌طور که مهدی به درستی خاطر نشان می‌کند، هرچه تمرکز جمعیت خانواده‌های ایرانیان در یک‌جا بیش‌تر باشد نسل دوم ایرانی-آمریکایی‌ها نسبت به فرهنگ فارسی (یا مشخصه‌ها و مختصه‌های این

فرهنگ) تعلق خاطر بیش‌تری دارند. و این البته امری متداول در میان مهاجران است. هر چه تراکم جمعیت مهاجر در یک شهر بیش‌تر باشد توان شبکه‌ها و زیرساخت‌های قومی برای محافظت از فرهنگ‌شان بیش‌تر است.

چیزی که ایرانیان را متمایز می‌سازد پایگاه طبقاتی متوسط بالای آنهاست، که طفیلی نسل اول مهاجران و سرمایه اجتماعی و انسانی طراز بالای ایشان است. اگر مقصد این گروه قومی بقای فرهنگی در برابر جریان‌های قدرتمندتر [یا همگون‌ساز] فرهنگی در آمریکا که قادر به جذب و حل فرهنگ‌های دیگر در خود هستند باشد، در مناطقی نظیر کالیفرنیا جنوبی که جمعیت در خور توجهی از ایرانیان ساکن آن‌اند، امکان و اقبال بیشتری برای بقا خواهد داشت. با وجود این پراکندگی جغرافیایی سکونت‌گاه‌های ایرانیان گویای وجود جریان‌های متفاوتی در برابر شکل گرفتن جامعه ایرانی-آمریکایی است که یکی از دو وجه ایرانی بودن یا آمریکایی بودن را تقویت خواهد کرد.

طی دو دهه گذشته، ۵۵ تا ۶۵ درصد ایرانیان که در هر سال وارد خاک آمریکا شده‌اند لوس آنجلس، سان‌فرانسیسکو، نیویورک، واشینگتن دی.سی و حومه آن را به عنوان محل اقامت مطلوب‌شان برگزیده‌اند و این نشان می‌دهد با آن که اجتماعات بزرگ قومی عمدتاً در این مناطق تشکیل شده است نزدیک به یک‌سوم ایرانیان به مناطقی رفته‌اند که سابقه حضور مهاجران ایرانی در آنها وجود نداشته است. جریان‌های اقتصادی و جدایی خودخواسته از جامعه بزرگ‌تر ایرانیان آمریکا و بسیاری امکانات و محدودیت‌های دیگر پراکندگی جغرافیایی را شکل داده که میسر جامعه متنوع‌تری از ایرانی-آمریکایی‌ها در آینده خواهد بود. سرنوشت فرهنگی ایرانیان آمریکا نیز همچون بسیاری از اقوام دیگر به مکانی که برای زندگی برمی‌گزینند گره خورده است. در حالی که اجتماع بزرگ‌تر ایرانیان هویت‌اش را از راه گزینش محل اقامت ابراز می‌کند و می‌کوشد با تجمع در چند ایالت در برابر نیروی جذب جریان‌های فرهنگی قدرتمندتر [یا همگون‌ساز] ایستادگی کند، بسیاری از ایرانیان از این مراکز تجمع جامعه ایرانی دوری گزیده‌اند. در ۱۹۹۰، بیش از ۲۳ درصد از افرادی که اصل و نسب ایرانی داشته‌اند در ایالت‌هایی اقامت داشتند که جمعیت ایرانی آن کمتر از ۵۰،۰۰۰ نفر بوده است.<sup>۲۶</sup> این افراد به رسانه‌های عمده ایرانیان از قبیل کتاب، تلویزیون و رادیو و روزنامه، چندان دسترسی نداشته و لذا نمی‌توانستند فرهنگ ایرانی را حفظ کنند. فرزندان این گروه اخیر، برخلاف هم‌تابان لوس آنجلسی‌شان، امکان و احتمال کمتری برای پیوند اجتماعی با دیگر ایرانیان و ابراز هویت ایرانی داشتند.<sup>۲۸</sup> انزوای جغرافیایی این گروه‌ها اختلالاتی در راه شکل‌گیری هویت ایرانی-آمریکایی ایجاد می‌کند. این اختلاف هویت‌ها با رشد نسل دوم و تولد نسل سوم ایرانیان پیچیده‌تر خواهد شد. اگر تجربه اقوام دیگر را نشانه‌ای برای آنچه در آینده پیش خواهد

آمد بگیریم، ماندگاری هویت ایرانی - آمریکایی مسلم خواهد بود. و البته ایرانیان مقیم ایران تشابهی میان ایشان و خود نخواهند یافت.

## سخن پایانی

از ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۸ نزدیک به ۲۲۶،۰۰۰ ایرانی به آمریکا مهاجرت کرده‌اند که ۱۲۵،۰۰۰ تن‌شان تابعیت آمریکا را پذیرفته‌اند. همان طور که شرح داده شد، ایرانیان در سه مرحله وارد ایالات متحد شدند: نخست گروهی که متشکل بودند از محصلان و متخصصانی که با استفاده از مادهٔ ترجیحی «لایحهٔ مهاجرت سال ۱۹۶۵» برای جذب نیروی کار متخصص وارد آمریکا شدند. البته بسیاری از این نخستین مهاجران اجازهٔ اقامت‌شان را پس از انتخاب همسر آمریکایی به دست آوردند. گروه دوم نیز متشکل بود از محصلانی که پس از فارغ شدن از تحصیل تصمیم به ماندن گرفتند، وابستگان اینان، و دیگر ایرانیانی که بر اثر تحولات سیاسی موطن‌شان را ترک گفتند. موج سوم تشکیل‌شده بود از کسانی که در میانهٔ دههٔ ۱۹۸۰ از ایران و دیگر کشورها وارد آمریکا شدند و با عنوان تازه از راه رسیدگان شناخته شدند. در میان این گروه اخیر رفته‌رفته بر تعداد زنان افزوده شد تا حدی که اکثریت را تشکیل دادند. در دههٔ ۱۹۹۰ زنان ایرانی مهاجر همچنان در اکثریت بودند که به تداوم ماندگاری جامعه ایرانیان آمریکا قطعیت بخشید. اینان هم شامل کسانی می‌شدند که سال‌های دراز در آمریکا بودند منتها در پذیرش وضع اقامت‌شان تردید و تأمل روا داشته بودند و در نهایت تن به سرنوشت سپردند و هم، و به احتمال بیشتر، شامل کسانی که به عنوان همراهان آنانی که در نوجوانی و جوانی در دههٔ ۱۹۷۰ و اوایل دههٔ ۱۹۸۰ به آمریکا آمده بودند وارد این کشور می‌شدند.

این سه مرحله به روشنی نشان‌گر تحولاتی است که نسبت به پدیدهٔ مهاجرت در روحیهٔ ایرانیان پدید آمده است. ایرانیان آمریکا سرتاسر طیف اقامت، مهاجرت و تابعیت را پوشانده‌اند. علاوه بر این تعداد فزایندهٔ ایرانی-آمریکاییانی را باید در نظر گرفت که در آمریکا متولد شده‌اند و بر شکل‌گیری و هویت این جامعهٔ تازه تأسیس تأثیر می‌گذارند. همان‌گونه که شرح آن رفت، به رغم زمان طولانی‌ای که ایرانی-آمریکاییان به تدریج به هویت‌های چندگانه‌شان خو گرفتند بحث کثرت و تنوع موجود ریشه در انشعابات دارد که بر سر "خودی" و "غیر خودی" در گرفته است. نسل دوم هم موضوع و هم درگیر در این بحث است. ایرانی - آمریکاییان جوان، همچون فرزندان بسیاری دیگر از مهاجران، با این معضل روبه‌رو هستند که موطن دیگری جز آمریکا نمی‌شناسد. کی و کجا فرهنگ والدین‌شان مانع پیشرفت و راه‌های جامعه‌پذیری در کشور میزبان می‌شود؟ بسیاری از نسل

دوم ایرانیان، بر این امر آگاه‌اند که بفای‌شان در آمریکا مستلزم انتخاب آن جنبه‌هایی از فرهنگ پدران‌شان است که کمترین مانع را بر سر راه پیشرفت‌شان ایجاد کند (پیشرفت به آن معنایی که در تنها کشوری که می‌شناسند [آمریکا] معنی می‌شود).

همان‌طور که در مقاله‌ای دیگر که مشخصات آن پیش از این ذکر شد گفته‌ام، هر چه اندازه جامعه ایرانی-آمریکایی‌ها بزرگ‌تر باشد احتمال بیشتری وجود دارد که فرزندان ایرانیان مهاجر به آن نزدیک‌تر و با فرهنگ ایرانی سازگارتر شوند. در چنین جوامعی احتمال این که نسل دوم ایرانی-آمریکایی‌ها به زبان فارسی صحبت کنند و در جشن‌ها و مراسم فرهنگی مشارکت ورزند بیشتر خواهد بود. با توجه به الگوهای رشد دهه ۱۹۸۰ و اهداف مهاجرت‌های دهه ۱۹۹۰ جوامع ایرانی در چند نقطه خاص به سرعت رشد کرده‌اند. از این میان، لوس آنجلس به مرکز و مأوای فرهنگ ایرانیان آمریکا تبدیل شده است. در ۱۹۹۰، بیش از ۵۵ درصد از کل ایرانیان آمریکا در کالیفرنیا زندگی می‌کرده‌اند. و اکثریت‌شان در بخش بزرگ‌تر لوس آنجلس. و از آنجا که این محل به عنوان قطب انواع فرهنگ ایرانیان خارج از ایران تثبیت شده قطعاً در تاریخ پراکندگی اقوام ایرانی جایی درخور خواهد یافت. مشارکت جامعه ایرانی در تأسیس انجمن‌ها و گروه‌های دانشگاهی به منظور حفظ و آفرینش فرهنگ ایرانی (آن‌گونه که مهاجران از آن افاده معنی می‌کنند) در حفاظت و نگهداری از یک "میهن خیالی" نقشی مهم یافته و خواهد یافت. پایگاه طبقاتی ایرانی-آمریکایی‌ها که عمدتاً در زمره طبقات متوسط و متوسط بالا محسوب می‌شوند و نیز متوسط تحصیلات و درآمدها، ایشان را در حفظ و پاسداری از فرهنگ‌شان تواناتر می‌سازد.

کفتو ۱۸۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

1-U.S.Department of Justice. October 1999. 1997 Statistical Yearbook of the Immigration and Naturalization Service, p.25.

۲- همان. ص ۱۹.

3- Modarressi, Ali. 1990, **Ethnic Community Formation: An Ecological Perspective on Iranians in Los Angeles**. Ph.D.Dissertaion, University of Arizona.

۴- شایان ذکر است که مهاجر به فردی اطلاق می‌شود که رسماً وضعیت اقامتش را به مقیم دائم ایالت متحد تغییر داده باشد. ایرانیانی که با ویزای تحصیلی یا دیگر انواع ویزاهای موقت در آمریکا به سر می‌برند مهاجر محسوب نمی‌شوند. البته

این گونه افراد ممکن است در مدت اقامتشان در آمریکا تغییر وضعیت دهند. در مورد ایرانیان این تأخیر و دودلی نسبت به مهاجرت به وضوح به چشم می‌خورد که در مورد آن در همین مقاله بحث شده است.

۵- در گردآوری ارقام این مقاله سوابق هر یک از مهاجران به آمریکا دیده شده و ارقام مربوط به هر سال با جمع‌بندی سوابق همان سال به دست آمده. از آنجا که «اداره تابعیت و مهاجرت» داده‌ها را هم براساس کشور محل تولد و هم براساس ملیت جمع‌آوری می‌کند، این ارقام هم آنانی را که در ایران زاده شده‌اند دربرمی‌گیرد و هم آنانی را که ملیتشان را ایرانی اعلام کرده‌اند. امید است این ارقام هرگونه شک و شبهه‌ای در مورد قدر و اهمیت مهاجرت را مرتفع سازند. باید به خاطر داشت که من به منظور شناسایی ایرانی-آمریکایی‌ها از سوابق افرادی که در ایران متولد شده‌اند و ملیت خود را ایرانی اعلام کرده‌اند استفاده خواهم کرد. به همین سبب شمار بسیار اندکی از کسانی که ملیت دیگری دارند اما در ایران متولد شده‌اند ولی ایرانی نیستند از این آمار برکنار خواهند ماند. همچنین، از نظر بحث‌های مرتبط با هویت داده‌ها درباره آن افرادی خواهد بود که می‌خواهند خود را ایرانی بدانند. در بخش‌های دیگر همین مقاله از نسل دوم ایرانیان و آنانی که ایرانی‌اند و/یا در کشوری دیگر جز آمریکا از پدر و مادری ایرانی زاده شده‌اند بحث خواهم کرد. البته خواننده یقین داشته باشد که محاسبه همه اینها هم تأثیر چندانی بر شمار ایرانی-آمریکایی‌ها نخواهد گذاشت. اگر بخواهیم تعریفی به دست داده باشیم باید بگوییم: یک ایرانی-آمریکایی فردی است که هنگام تسلیم تقاضا برای اقامت دائم در آمریکا ملیت خود را ایرانی اعلام کرده باشد. اشخاصی که با هر نوع اجازه اقامت موقت، نظیر ویزای دانشجویی، در آمریکا به سر می‌برند از این محاسبات کنار گذاشته می‌شوند.

#### 6- The Census Bureau of The United states. 1980 Public Use Microdata sample (PUMS)

استخراج داده‌ها توسط نویسنده این مقاله صورت گرفته است.

#### 7- Modarressi, Ali, 1990. Ethnic Community Formation: An Ecological Perspective on Iranian in Loss Angeles. Ph.D. Dissertation, University of Arizona, p 110.

۸- ایرانی‌های مقیم آمریکا و همچنین ایرانیان داخل ایران بر این باورند که جامعه ایرانیان آمریکا بسیار بزرگ‌تر از این است. نویسنده با در نظر گرفتن داده‌های به دست آمده از مهاجران ایرانی و آمار سرشماری ۱۹۹۰ نمی‌تواند بحث کم‌شماری یا دیگر نظریه‌های مشابه را بپذیرد. واقعیتی که خواننده باید در مد نظر داشته باشد این است که مهاجران ایرانی همه ایرانیان ساکن آمریکا نیستند بلکه تنها آنانی مهاجر محسوب می‌شوند که قانوناً اقامت دائم در آمریکا را پذیرفته باشند. هرچند دشوار بتوان فاصله میان ارقام ارائه شده در این مقاله را که براساس اسناد رسمی آمریکا به دست آمده، و اعداد و ارقامی که در یاورهای عامه وجود دارد با تعداد ایرانیانی که مقیم دائم آمریکا نشده‌اند توضیح داد. انتخاب مهاجرت از یک نظر امری اقتصادی است، زیرا برای آن که بتوان در آمریکا زندگی و کار کرد کسب اجازه اقامت دائم یک ضرورت است.

۹- همان منبع بی نوشت ۳.

#### 10- Bozorgmehr, Mehdi. 198. "From Iranian Studies to Studies of Iranians in the United States." *Iranian Studies*, Vol.31, No 1, pp. 5-30.

#### 11- Martin, Philp and Widgren, Jnas, 1996. "International Migration: A Global Challenge." *Population Bulletin*, Vil. 51, No.1.

#### 12- Immigration and Naturalization Service Annual data Archive.



ارقام توسط نویسنده این مقاله جمع‌بندی شده است.

13- Modarressi, Ali. 1998. "Settlement Pattern of Iranians in the United States." **Iranian Studies**, Vol. 31, No.1, pp. 31-49

۱۴- با ایرانیان متولد آمریکا یا کشورهای دیگر شمار جمعیت ایرانی‌تبار در نهایت به ۲۸۵،۰۰۰ تن می‌رسد (بنگرید به: Bozorgmehr, Mehdi, *op. cit.*

۱۵- این رقم تقاضل دو رقم ۲۸۵،۰۰۰ و ۲۲۶،۰۰۰ است.

16- U.S.Bureau of the Census, 1990

(منتشر شده در شبکه اینترنت).

۱۷- باید خاطر نشان ساخت که همه ایرانیان در آمریکا در رفاه و خوشبختی به سر نمی‌برند. در ۱۹۹۰ اندکی بیش از ده درصد از خانواده‌های ایرانی در فقر زندگی را می‌گذرانده‌اند. (U.S.Bureau of the Census, 1990 PUMS)

18- Bozorgmehr, Mehdi, *op. cit.*

۱۹- در ۱۹۹۰، ۲۷ درصد از ایرانیان تابعیت آمریکا را پذیرفتند. (U.S.Bureau of the Census, 1990 PUMS)

20- U.S.Bureau of he Census, 1990, CPH-L-149.

(منتشر شده در شبکه اینترنت).

21- U.S.Bureau of he Census, (1990 PUMS) (داده‌ها توسط نویسنده این مقاله جمع‌بندی شده)

22- Immigration and Naturalization Service Annual Data Archives

(داده‌ها توسط نویسنده این مقاله جمع‌بندی شده).

23- Immigration and Naturalization Service

(داده‌ها توسط نویسنده این مقاله جمع‌بندی شده).

24- Karim, Persis M. and Khorrami, Mohammad Mehdi. 1999. **A World in Between: Poems, Short Stories and Essays by Iranian –Americans**. New York: Georg Braziller, Inc.

25- Mahdi, Ali Akbar. 1988. " Ethnic Identity among Second Generation Iranians in the United States ." **Iranian Studies** Vol. 31, No.1, pp. 77-95.

26- U.S. Bureau of the Census (SIF3A).

ارقام توسط نویسنده این مقاله جمع‌بندی شده است.

۲۷- تنها شش ایالت کالیفرنیا، نیویورک، تگزاس، ویرجینیا، مریلند، و ایلینویز هستند که بیش از ۵۰۰۰ ایرانی در آنها ساکن

هستند خود جای داده‌اند. [SIF3A] U.S. Bureau of the Census

(ارقام توسط نویسنده مقاله جمع‌بندی شده است).

28- Mahdi, 1998. p. 83